

بازتاب زیبائیهای انقلاب بر بوم نقاشان خلق



برای حفظ قدرت شوراهای - اثر: سرگئی کراسیموف

مجموعه اول :
معرفی ۲۰ تابلورنگی
درستایش جنگ انقلابی

دیجیتال کننده : نینا پویان

نام تابلوها بترتیب

- ۱- مادر یک پارتیزان
- ۲- ما باز خواهیم گشت
- ۳- متشکرم مادر
- ۴- قبل از اعدام
- ۵- برای حفظ قدرت شوراها
- ۶- آماده باش
- ۷- سربازان
- ۸- سرود پارتیزانها
- ۹- گذرگاه
- ۱۰- برای خاک وطن
- ۱۱- مرگ کمیسر
- ۱۲- بهار سربازان
- ۱۳- هیجدهمین سال جنگ
- ۱۴- دفاع از پتروگراد
- ۱۵- آن سالهای سخت
- ۱۶- بعد از اجرای حکم فاشیستهای اشغالگر
- ۱۷- اسکورت اسرای جنگی
- ۱۸- بازگشت
- ۱۹- فتح کاخ زمستانی
- ۲۰- بیوهها در روز نهم ماه مه (روز پیروزی)



۱- مادر یک پارتیزان (۱۹۴۳-۵۰)

اثر: سرگئی - گراسیموف (۱۹۶۴ - ۱۸۸۵)

رنگ روغن روی بوم به ابعاد ۱۸۴×۲۳۲ سانتی متر

نگهداری در گالری تریتاکوف

سرگئی گراسیموف یکی از نقاشان، گرافست‌ها و حکامین نقاشی مردمی معاصر است. گراسیموف علاوه بر خلق تابلوهایی در مورد حوادث تاریخی دوران معاصر در رشته‌های متنوعی از هنرهای زیبا دست به تجربه زده است. وی دارای کارهای شاعرانه و زیبایی در زمینه منظره نگاری و آب رنگ است. کارهای او در کل مهارت فوق العاده‌اش را در بکارگیری رنگ‌ها، قدرت، دقت و حساسیت کم نظیرش را در مشاهده واقعیت‌ها نشان می‌دهد.

گراسیموف شاگرد کنستانتین کوروسین و سرگئی ایوانف ادامه دهنده هنر نقاشی رئالیستی روسیه بعد از انقلاب است. او از نقاشانی است که در دوران انقلاب به بلوغ هنری خود رسیده و از موقعیتی که انقلاب برای نقاشانی نظیر او بوجود آورده بود استقبال میکرد. او با حرارت به وظیفه هنری که انقلاب به‌عهدش گذارده بود روی آورد و در این زمینه به تهیه پلاکاردها، پوسترها و تهیه دکورهای مورد نیاز فرهنگ انقلاب پرداخت. همچنین او با انرژی فراوان و پرکاری قابل ستایشی به آموزش هنر نقاشی پرداخت که کار او در این زمینه نتایج شریک‌ش هم بار آورده. گراسیموف وقتی چهره مردم روسیه را نقاشی میکند، تاکیدش بر نشان دادن خصوصیات اخلاقی ویژه آنان یعنی تسلیم ناپذیری و مصمم بودن آنهاست. اغلب موضوعات تابلوهایی او مقاومت روستائیان و حاشیه نشینان فقیر شهری در مقابل مهاجمین است.

ایده تابلوی مادر یک پارتیزان را وی در اثنای جنگ بزرگ میهنش علیه فاشیست‌های اشغالگر بدست آورد خود او در این زمینه میگوید: "هدف من تجسم بخشیدن به خصالت‌های انسانی مردم میهنم در تصویر یک مادر است. یک زن روستایی، رام نشدنی، سرکش و بسا - سماجت و ثابت قدمی تمام در مقابل فاشیست‌های اشغالگر که فرزند پارتیزانش را دستگیر کرده‌اند ایستاده است."

در تابلو در زمینه یک روستای غارت شده که مردم آنرا فاشیست‌ها با وحشیگری قتل عام کرده‌اند دو دنیای متضاد در مقابل هم صف آرایی کرده‌اند، دنیای زشت و نفرت‌انگیز فاشیست‌های اشغالگر و دنیای زیبا و مملو از استقامت و کینه انقلابی مردمی تسلیم ناپذیر که برای رهایی میهنشان می‌جنگند.

در آثار گراسیموف، این هنرمند خلقی که بخاطر خلق تابلوی با عظمتش " برای حفظ قدرت شوراهای (تابلوی شماره ۵) بدریافت جایزه لنین نائل شده عشق عمیق وی به مردم و زیبایی‌های سرزمین مادریش دیده میشود.

ترجمه از: The Tretyakov Art Gallery



۲- ما بازخواهیم گشت (۱۹۶۵)

اثر: ۱-۱- مالیشوسکی

رنگ روغن روی بوم به ابعاد ۱۳۳×۱۵۸ سانتی متر

- برف کوهستان

گرما داشت

خون ما

در رگها مان میجوئید

زندگی معنی داشت

دامونم

جنگلی کوچک من

دست ما

با دست مردم

گل میداد .

دست ما

بی دست مردم

ویران میشد

قلب ما

از رنج مردم

غمگین میشد

عشق ما

با مردم

معنی داشت

صف به صف

سرنیزه

صف به صف دشمن

اما با عموهای تو

ما یک فدائی بودیم

تا که ایران تو

آزاد شود

بهترین هدیه ما

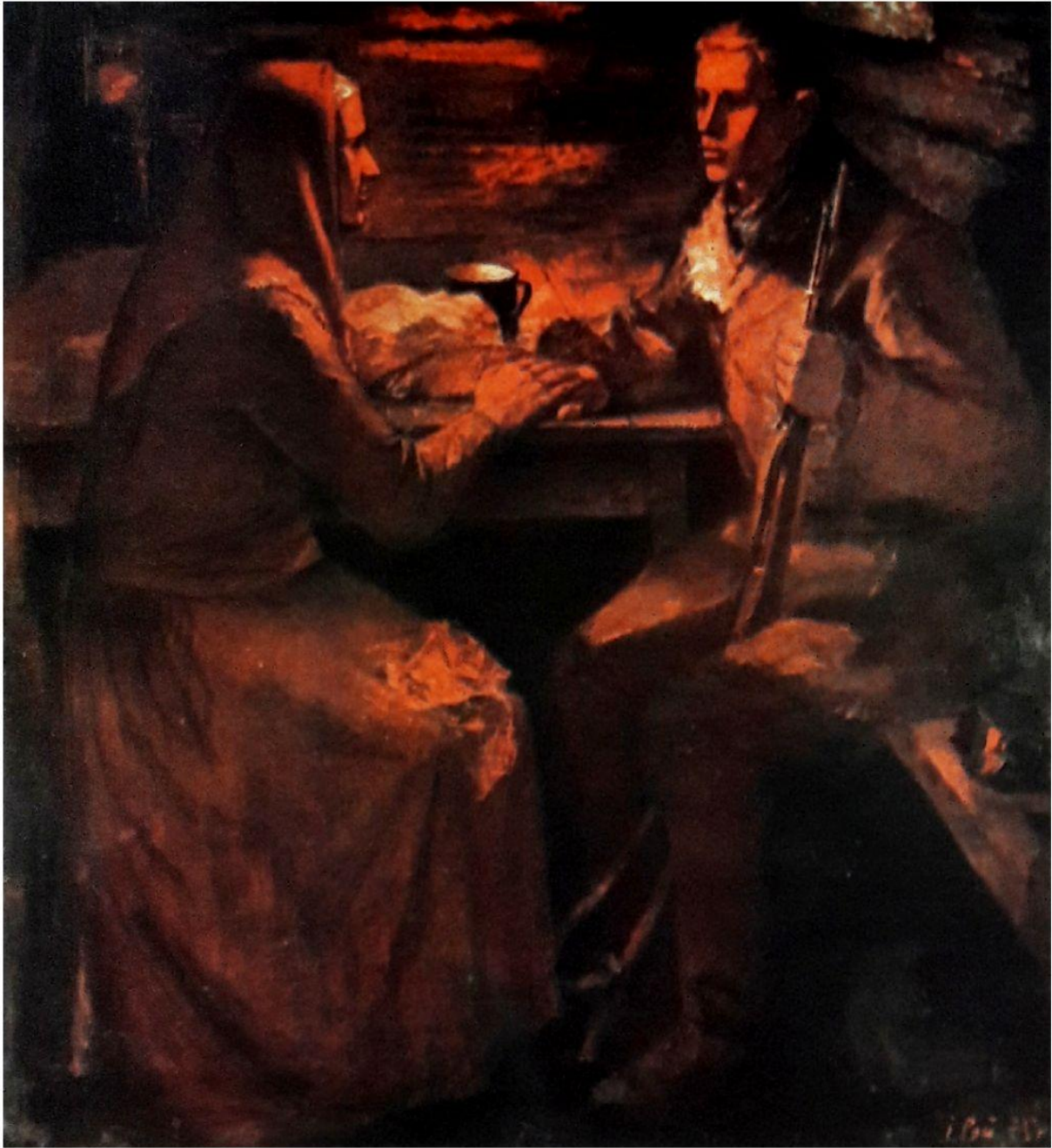
جان ما

بهترین هدیه تو

دامون

آزادی.....

آخرین شعر شهید گل سرخی برای فرزندش دامون



۳- متشکر مادر (۱۹۷۵)

اثر: ی- پ- ری

رنگ روغن روی بوم به ابعاد ۱۷۰×۵/۱۸۵ سانتی متر

چه بسیار میشنوی
که مادران چه زود فرزندان خود را از دست میدهند
اما من پسرم را از دست نداده‌ام
چطور، با هدف خود
من و او دو نفر بودیم
و آن چیز سوم هدف مشترک ما بود.
که ما را به پیش میراند
چه بسیار شنیده‌ام
که فرزندان با مادران خود صحبت میکردند
اما چه سخنانی شیرینتر از سخنان ما
در مورد هدفمان
که ما را به هم می پیوست
و برای بسیاری هدفی بزرگ بود!
چه نزدیک بودیم به همدیگر
و به هدفمان
چه خوب بودیم برای همدیگر
و هدف خوب ما چه نزدیک بود

شعر از: برتولت برشت

ترجمه از: منیژه کامیاب و حسن بایرامی



۴- قبل از اعدام (۱۹۵۴)
اثر: ایلیا پتروف (۱۹۲۵ - ۱۹۰۳)
رنگ روغن روی بوم به ابعاد ۱۶۵×۱۸۲ سانتی متر
نگهداری در گالری بین المللی نقاشی صوفیا

پرولتاریا

- پدر بزرگم برده بود
پدرم سرف
من نیز کارگر
پدر بزرگم برخاست، به صلیبش کشیدند
پدرم جنگید، زیر گیوتین کشتندش
منهم مبارزم
بزدانم آوردند
تفنگها را خشاب گذاشتند
و نام مرا خواندند. پرولتاریا !
اتهام: مبارزه مسلحانه، علیه امپریالیسم جهانی
و بنفع خلقهای زحمتکش جهان
زانو بزمین زدند و نشانه رفتند
منتظر شماره سه بودند
محکوم باعدام.

شعر از: شهید فدایی مرضیه احمدی اسکویی



۵ - برای حفظ قدرت شوراهای - ۱۹۵۷ (برنده جایزه لنین در سال ۱۹۶۶)
اثر: سرگئی گراسیموف (۱۹۶۴ - ۱۸۸۵)
رنگ روغن روی بوم به ابعاد ۱۹۱x۲۷۲ سانتی متر
نگهداری در موزه تربیتاکوف - مسکو

سرود بین الملل

برخیزید ، دوز خیابان زمین
برخیزید ، زنجیربان گرسنگی !
عقل از دهانه آتشفشان خویش گندروار می گردد
اینک ! فوران نهائی است این
بساط گذشته برویم ،
بیاخیزید ! خیل بردگان ، بیاخیزید !
جهان از بنیاد دیگرگون میشود
هیچیم کنون " همه " گردیم !

نبرد نهائی ست این ،
به هم گردائیم
و فردا " بین الملل "
طریق بشری خواهد شد .

رهاننده برتری در کار نیست ،
نه آسمان ، نه قیصر ، نه خطیب
خود به رهایی خویش برخیزیم ، ای تولیدگران !
رستگاری مشترک را برپا داریم !
تا راهزن ، آنچه را که ربوده رها کند ،
تا روح از بند رهایی یابد ،
خود به کوره خویش بردسیم
و آهن را گرماگرم بکوبیم

نبرد نهائی ست این
به هم گرد آئیم
و فردا " بین الملل "
طریق بشری خواهد شد

کارگران ، برزگران
فرقه عظیم زحمتکشانیم ما
جهان جز از آن آدمیان نیست
مسکن بی مصرفان جای دیگری است
تا کی از شیره جان ما بنوشند ؟
اما ، امروز و فردا ،
چندان که غرابان و کرکسان نابود شوند
آفتاب جاودانه خواهد درخشید

نبرد نهائی ست این
به هم گردائیم
و فردا " بین الملل "
طریق بشری خواهد شد .

شهر از : اوژن بوتیه
ترجمه از : ا. ش



۶- آماده باش ۱۹۶۸

اثر: آ. پ. کراسنوف

ز جا برخیز ای دهقان!

قدم در راه خود بگذار

مباد افسرده دل باشی

اسیر مرگ میگردی تو هم ناچار

ترا یاری نخواهد کرد کس در کار

تو خود باید ز جا خیزی

قدم در راه خود بگذار

ز جا برخیز ای دهقان

همیشه در لوای داس

شعر از: برتولت برشت

ترجمه از: بهروز مشیری



۷- سربازان
اثر: و. ا. روت شتاین

وظیفه هنر چیست؟

اگر بگویم هدف ادبیات اینست که انسان کمک کند تا خود را بشناسد و ایمان به خودش را تقویت کند، میل به حقیقت و مبارزه با پستی را در وجود مردم توسعه دهد، بتواند صفات نیک را در آنها بیابند در روح آنها عفت، غرور و شهامت را بیدار کرده با آنها کاری کند تا مردمی نجیب، بهروز و قوی شده بتوانند حیات خود را با روح مقدس زیبایی ملهم سازند، آیا شما قبول خواهید کرد؟ نظر من اینست، بدیهی است که کامل نیست فقط طرحی است... با هر چیزی که ممکن است به زندگی جان تازه‌ای ببخشد آنرا تکمیل نمائید. بگوئید ببینم با من هم عقیده هستید؟ -

خشم، کینه، شرمساری، نفرت، شادی، یاس بغض آلود اهرمهایی هستند که به مدد آنها میتوان در دنیا همه چیز را در هم ریخته نابود ساخت، (خطاب به هنرمند) آیا میتوانی چنین اهرمهایی بسازی؟ میتوانی آنها را بحرکت درآوری؟

قطعاتی از کتاب هدف ادبیات اثر: ماکسیم گورگی



۸- سرود پارتیزان‌ها (۱۹۵۹)
اثر: ایلیا پتروف (۱۹۷۵ - ۱۹۰۳)
رنگ روغن روی بوم به ابعاد ۱۴۶/۵×۲۲۵ سانتی متر
نگهداری در گالری بین‌المللی نقاشی صوفیا

- ما از مرگ قوی‌تریم
ما همچون برنجزارهای " چه‌موا "

هر سال درو میشویم و سال دیگر
دوباره با ساقه‌های پربارتری
میروئیم .

شعر از: هوشی مین



۹- گذرگاه
اثر: و. م. پتروف ماسلاکوف

کردنه لوشان

باد مغرب پرسوز میوزد ،
دور دستان در سپیده‌دمان
مرغابیهای وحشی
دره‌های بخزده فریاد سر میدهند
در مهتاب سپیده‌دمان
طنین تند سم ضربه‌های اسب می بیچد
و آهنگ شیپور به خاموشی میگراید
گلوله و-
کردنه ، دفاع آهنین دارد .

هم امروز
به یک گام
از کردنه خواهیم گذشت
از کردنه خواهیم گذشت
تیه‌ها به آبی دریاست
خورشید مختصر به سرخی خون .

سرودی از: مائوتوسه‌دون
ترجمه از: ر. ه.



۱۰ - برای خاک وطن

اثر: آ. پ. کراسنوف

ای پریشانی

مردی که آمد از فلق سرخ

در این دم آرام خواب رفته

پریشان شد

ویران .

و باد پراکند

بوی تنش را

میان خزر .

ای سبز گونه ، ردای شمالیم

جنگل !

اینک کدام باد

بوی تنش را

میارد از میانه انبوه گیسوان پریشانت

که شهر بگونه‌ی ما در خون سرخ نشسته

آه ای دو چشم فروزان !

در رود مهربان کلامت

جاریست هزاران هزار پرنده

بی تو کبوتریم

بی پر پرواز

شعر از: شهید خسرو گل‌سرخ‌ی



۱۱ - مرگ کمیسر (۱۹۲۵) (طرح مقدماتی و آموزشی برای تابلویی بهمین نام)

اثر: کوزما پتروف ودکین ۱۹۳۹ - ۱۸۷۸

رنگ روغن روی بوم به ابعاد ۷۳×۹۱ سانتی متر

نگهداری در موزه لنینگراد

هنگامیکه کوزما پتروف ودکین به جریان اصلی هنر پس از انقلاب پیوست ، هنرمندی بود که به رشد هنری خود رسیده بود و موقعیت و وظیفه خود را در تشریح واقعیت‌های انقلاب بخوبی درک و بدان عمل میکرد ، او استاد مسلم خلق تابلوهای غول آسا بر روی دیوارها و همچنین طراح دکورهای انقلابی برای جشن‌های انقلاب است . علاوه بر این‌ها او آثار قابل توجهی در زمینه پرتره و طبیعت بیجان نیز دارد .

از بررسی مجموعه نقاشیهای پتروف ودکین او را هنرمندی میبایم که دانشی عمیق و مطالعه و تجربه‌ای منظم ، طولانی و توأم با ریاضت و کشف شیوه‌های نوین بیان هنری برای نمایش طبیعت و حالت‌های انسانی دارد ، در تابلوهای او هر عنصر بصری وسیله‌ایست برای بیان هر چه خالص‌تر ماهیت عاطفی تصویر .

کار او روی تابلوها شباهت زیادی به کار معماران هنرمند دارد . برای هر کار نقشه‌های متعددی طرح میکند و کار را آرام و منظم و در طول سال‌ها کامل میکند . در آثار ودکین اثری از بیما یگی دیده نمیشود .

طرح مقدماتی و آموزشی تابلوی مرگ کمیسر در سال‌های ۱۹۲۵ نقاشی شده و تابلوی اصلی بعدها با تکامل همین ایده خلق شده است . نقاشی صحنه وسیعی از سرزمینی سرسبز و شاداب را نشان میدهد که در آن در وسعتی زیاد سربازان ارتش سرخ برای انقلاب می‌جنگند . برای القای وسعت صحنه جنگ پتروف ودکین از تکنیک بعدپردازی کروی سود جسته و خطوط منحنی را با چنان سازمانی بکار گرفته که گویی صحنه از دیدگاه پرنده‌ای در پرواز مشاهده شده است . تصویر کمیسر (سازمان دهندگان ارتش سرخ) در حال مرگ و سربازی که او را دربر گرفته در وسط تابلو پیش از حد طبیعی بزرگ شده و در فضای وسیع تری قرار گرفته است . در اینجا پیام اصلی ستایش شخصیت قهرمانان انقلاب است که زندگی خود را عاشقانه فدای انقلاب کرده‌اند و هنرمند با چشمانی نظاره‌گر ، مهربان و براندازکننده ، چنان اجزای تابلو را سازمان داده که از قهرمانان شخصیتی تمالی یافته و شاعرانه به تماشاگر القا میکند - در این کار بعلت هدف اصلی آن کمتبهه دکورهای مناسب برای جشن‌های انقلاب بوده و بخاطر بزرگی ابعاد تابلوی اصلی و نمایش آن در فضای باز از رنگ‌های محدودی استفاده شده است .

ترجمه از: The Tretyakov .Art Gallery



۱۲- بهار سربازان در ارتفاعات (۱۹۵۹)
اثر: م.آ. رادپانوف

- سرود پیوستن

باید که دوست بداریم باران

باید که چون خزر بخروشیم

فریادهای ما اگر چه رسا نیست

باید یکی شود

باید تپیدن هر قلب ، اینک سرود

باید که سرخی هر خون ، اینک پرچم

باید که قلب ما ،

سرود و پرچم ما باشد

باید در هر سپیده‌ی البرز

نزدیکتر شویم

باید یکی شویم

اینان هراسشان ز یگانگی ماست

باید که سرزند

طلیحه خاور

از چشم‌های ما

باید که لوت تشنه

میزبان خزر باشد

باید کوبیر فقر

از چشمه‌های شمالی ، بی نصیب نماند

باید که دست‌های خسته بهیاسایند

باید که سفره‌ها همه رنگین

باید که خنده و آینه‌ی ، جای اشک بگیرد

باید بهار

در چشم کودکان جاده ری

سبز و شگفته ، شاداب

باید بهار را بشناسند

باید " جوادیه " بر پل بنا شود

پل ،

این شانه‌های ما

باید که رنج را بشناسیم

وقتی که دختر رحمان

با یک تب دو ساعته میمیرد

باید که دوست بداریم باران

باید که قلب ما

سرود و پرچم ما باشد.

شعر از: شهید خسرو گل‌سرخ



۱۳ - هیجدهمین سال جنگ ۱۹۶۱

اثر: آ. پ. کراسنوف

- به برادران شاعرم

برادران!

زندگی ترانهٔ زیبایی است

آنچه میآید

روشنائی

از پس تاریکی

سرورها و شادی‌ها

و زیباترین ترانه‌ها:

آنچه از دل‌هایمان میجوشد

از اعماق خلق‌های اصیل

و سرزمین سالم و سبزمان

تیرگی را لعنت کنید

و سازندگان مصیبت‌ها و دردها را

و اشک‌ها را پاک کنید

شمع‌ها را بیافروزید

در وحشت راه‌های تیرهٔ انسان

برادران!

برادران!

زندگی ترانهٔ زیبایی‌ست

سرآغازش اشک‌ها و اندوه‌ها....

شعر از: عبدالوهاب البیاتی

ترجمه از: یوسف عزیزی بنی‌طرف



۱۴ - دفاع از پتروگراد ۱۹۲۸
اثر: الکساندر دینکا (۱۹۶۹ - ۱۸۹۹)
رنگ روغن روی بوم به ابعاد ۲۱۸×۳۵۴ سانتی‌متر

برخیز ما در خطریم !
بیمار هستی آری ، اما ما در حال مرگیم .
ضعیف هستی ، اما به یاری تو نیازمندیم
برخیز ما در خطریم !
چه تردیدها که در مورد ما داشتی !
اینک تردید مکن دیگر
ما در پایان راهیم
ما را دیگر سرزنش مکن
گرچه بارها سرزنش کرده‌ای ،
ورنه از بین خواهیم رفت
برخیز ما در خطریم !
برخیز درنگ مکن !
تو بیماری ، اما به تو نیازمندیم ،
نمیر باید به ما کمک کنی ،
خود را کنار مکش ، ما به سوی جنگ میرویم
برخیز ، ما در خطریم ، برخیز

شعر از : برتولت برشت
ترجمه از : منیژه کامیاب - حسن بایرامی



۱۵- آن سالهای سخت (۶۷-۱۹۶۶)
اثر مشترک آلکسی تاخوف (متولد ۱۹۲۵) و سرگئی تاخوف (متولد ۱۹۲۲)
رنگ روغن روی بوم به ابعاد ۱۵۸x۲۲۵ سانتی متر
نگهداری در گالری ولوگدا

من در دوران آشوب به شهرها پای گذاشتم
در دورانی که گرسنگی فرمان میراند
من در دوران طفیان به میان آدمیان آمدم
و با آنان به طفیان رو کردم
چنین گذشت

عمری که در زمین به من بخشیده بودند ،
خوردنی را در فاصله جنگها خوردم
خواب را در میان مردمکشها خفتم
و بی پروا عشق ورزیدم
و طبیعت را نابردبار بافتم
چنین گذشت عمری که در زمین به من بخشیده بودند .

شعر از: برتولت برشت



۱۶ - بعد از اجرای حکم فاشیست‌های اشغالگر (۴۶ - ۱۹۴۳)
اثر: تاراس گابونکو (متولد ۱۹۰۶)

به سوئیش شادی ، به سوئی خطر .
رود لنگ لنگان و آرام ، جنگ .
بلی ، جنگ را عمر صد ساله است
ولی ، مردم بینوا را چه سود ؟
از ایشان کسی طرفی از جنگ نیست
خوراکش پلیدی ، لباسش پلاس
حقوقش به تاراج سردارهاست
ندانم ، مگر رخ دهد معجزی
که گرم است بازار لشکرکشی
بهار است خیز ای مرید مسیح
شده برقها آب در کوهسار
غنودند در گورها مردگان
اگر در تنی قدرت جنبشی است ،
شتابان به میدان شود رهسپار

شعر از : برتولت برشت



۱۷- اسکورت اسرای جنگی (۱۹۴۷)

اثر: آ. د. شینوف

رنگ و روغن روی بوم بابعاد ۱۹۰×۲۸۹ سانتی متر

خلاصه‌ای از ویژه‌گی‌های هنر واقع‌گرایی (رئالیست)

- زندگی را آنطور که هست بنمایش میگذارد.
- زندگی را در حرکت و پویایی نشان میدهد.
- نه از زشتی‌ها فرار میکند و نه زیبایی‌ها را بیهوده بزرگ میکند.
- امید به تغییر دنیا را در دل‌ها زنده میکند.
- درک تاریخی از همه پدیده‌های هستی دارد.
- بیان درست ظواهر، توأم با تجسم درست روابط اجتماعی همواره در آن دیده میشود.
- همه تغییرات در شخصیت‌ها را بر اساس روابط اجتماعی بیان میکند.
- دید طبقاتی دارد.
- هدف آن جستجو و بیان کیفیات واقعی همه چیز و روابط درونی مابین یک پدیده و دیگر پدیده‌هاست.
- جاندار و زنده است.
- تضاد و همبستگی را عامل سازنده حیات اجتماعی میداند.
- در خدمت انقلاب است.
- انسان را بصورت موجود اجتماعی تصویر میکند.
- مسائل مطرح در آن مبتلا به عموم و باصطلاح نقش زمانه محسوب میشود.
- واقعیت‌های عینی را از پندارها و تصورات قرار دادی یا موهومات و توهمات که درباره واقعیت وجود دارد متمایز می‌کند.
- ریشه هر چیز را که زیر لایه‌های زندگی روزانه نهفته است می‌کاود.
- تبلیغ نمی‌کند، بلکه پیام حقیقی آن در ذهن نفوذ می‌کند.
- قضاوت‌ها همیشه غیر مستقیم و مستور است.
- فرد همواره در آن نمونه طبقه است با خصوصیات ویژه و شخصی.
- توصیفات در خدمت شناسایی خصوصیات طبقاتی شخصیت است.
- انسان را واحدی فعال و سازنده میداند.
- به نیکی و بدی مطلق قائل نیست و آنها را تابع اوضاع و احوال اجتماعی میداند.
- حیات آدمی را بمنزله سیر و جریانی تاریخی مینگرد.
- قهرمان‌های او انسان‌های تکامل یافته اجتماعی و تاریخی‌اند.

برداشت‌هایی از کتاب رئالیسم و ضد رئالیسم اثر: دکتر میترا



۱۸ - بازگشت
اثر: ب. و. کارنیف

کی بود گرما و برق نوبهاران؟
تا مرا فولاد و آهن گشت جان

بی پریشانی و سرمای زمستان
شوربختیم آب داد و سخت کرد

شعر از: هوشی مین
ترجمه از: ر. ه



۱۹ - فتح کاخ زمستانی (۱۹۵۴)
اثر: ولادیمیرسروف (۶۸ - ۱۹۱۰)
رنگ و روغن روی بوم بابعاد ۸۵x۷۵ سانتی متر
نگهداری در گالری تریتاکوف

ولادیمیرسروف نقاش و گرافیست معروف روسیه شوروی است که جایزه‌های متعددی بدست آورده است. این هنرمند قسمت عمده عمر هنری خود را صرف نقاشی صحنه‌هایی از تاریخ انقلاب اکتبر و بخصوص بیان شخصیت لنین و تاثیر او در قیام نموده است - تمایل او به ترسیم صحنه‌های تاریخی حتی در زمانیکه او شاگرد استادانی چون ساونیسکی و برودسکی نیز بوده است دیده میشود.

فتح کاخ زمستانی یکی از معروفترین آثار اوست، تابلو لحظاتی را نشان میدهد که کاخ زمستانی بدست انقلابیون کمونیست سقوط کرده است. پراکنده بودن پوکه‌های فشنگ، آجرها و قسمت‌هایی از دیوار که خراب شده و بروی پله‌ها افتاده نشان میدهد که جنگ در کاخ تازه پایان یافته است. در پای پلکان دو سرباز سرخ بهم نزدیک شده در سکوت معنی‌داری سیگارشان را روشن می‌کنند. کوچکترین شکل موجود در صحنه حاوی مفهومی در رابطه با این لحظه تاریخی است. نقاش در القای فضای انقلاب که نشان میدهد مردم سرنوشت خود را خود بدست گرفته‌اند کاملاً " موفق است. مردم در تابلو بصورت کارگر و دهقان مسلح ترسیم شده‌اند. سیمای آنها صمیمیت عمیقی را القاء می‌کند، سکوت آنها مکالمه پر معنی‌ایست که وقوف کامل آنها را به عظمت اتفاقی که افتاده نشان میدهد.

ترجمه از: The Tretyakov Art Gallery



۲۰ - بیوه‌ها در روز نهم ماه مه (روز پیروزی) (۱۹۷۳)

اثر: ن - ژ - زالونزی

رنگ روغن روی بوم به ابعاد ۱۴۹×۱۸۰ سانتی‌متر

ولاسوا *

پسرت تیرباران شد

دیواری که او را در کنار آن تیرباران کردند

بدست مردانی چون او ساخته شده بود .

و مردانی چون او سلاحهایی که قلبش را نشانه گرفته بودند

و گلوله‌ها را ، ساخته بودند

سازندگان رفته بودند

یا گریخته بودند

با اینهمه او در چشمهایش

آنان را از روی کارشان میدید

حتی آنان که تیربارانش کردند

نه با او فرقی داشتند

نه تا ابد گمراه بودند

او به زندان رفت

با دستهایی بسته به زنجیرهایی که رفیقان ساخته بودند

و هنگامی که می بردندش

او می دید

کارخانه‌ها را که میروئیدند

صف به صف با دودکشهایشان

سپیده دم بود

آنها را همیشه در این وقت میبردند

و کارخانه‌ها همچنان خالی

اما او میدید نیرویی عظیم را که رشد کرده بود و رشد میکرد

و کارخانه‌ها را سرشار میساخت

* ولاسوا نام قهرمان رمان مادر ماکسیم گورکی

شعر از: برتولت برشت

ترجمه: منیژه کامیاب - حسن بایرامی

– وظیفه هنر چیست؟ –

اگر بگویم هدف ادبیات اینست که انسان کمک کند تا خود را بشناسد و ایمان به خودش را تقویت کند، میل به حقیقت و مبارزه با پستی را در وجود مردم توسعه دهد، بتواند صفات نیک را در آنها بیاید، در روح آنها عفت، غرور و شهامت را بیدار کرده با آنها کاری کند تا مردمی نجیب، بهروز و قوی شده بتوانند حیات خود را با روح مقدس زیبایی ملهم سازند، آیا شما قبول خواهید کرد؟ نظرم اینست، جدی‌بوی است که کامل نیست فقط طرحی است... با هر چیزی که ممکن است به زندگی جان تازه‌ای ببخشد آنرا تکمیل نمائید. بگوئید ببینم با من هم عقیده هستید؟ –

خشم، کینه، شرمساری، نفرت، شادی، یاس، بغض‌آلود اهرمهایی هستند که به مدد آنها میتوان در دنیا همه چیز را در هم ریخته نابود ساخت، (خطاب به هنرمند) آیا میتوانی چنین اهرمهایی بسازی؟ میتوانی آنها را به حرکت در آوری؟

قطعاتی از کتاب هدف ادبیات اثر: ماکسیم گورگی